

تبسم دریا

بر اساس زندگی سردار شهید غلامحسین توسلی
(شهید مبارزه با ناوگان آمریکایی در خلیج فارس)

دکتر فرزانه دهقانی

به جاب رسیده است و حق جاب آن برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	پیام فرمانده
۹	پیش‌گفتار
۱۲	مقدمه
۱۵	فصل اول: تولد غلامحسین
۱۷	انتخاب نام غلامحسین
۲۰	سرمای پیرزن‌گش
۲۱	با غلامحسین در صحرا
۲۷	فصل دوم: آموزش و تحصیلات
۲۸	رفتن به مکتب‌خانه
۳۴	دوستی با حسین بسریا (نادر مهدوی)
۳۵	خروس قندی
۳۵	برنده مسابقه
۳۶	ماه محرم در روستا
۴۱	فصل سوم: حوادث انقلاب اسلامی
۴۲	آشنایی با انقلابیون دشتی

۴۴	خبر تکان دهنده
۴۶	شور و اشتیاق مردم
۴۸	خبر پیروزی
۵۱	فصل چهارم: شروع جنگ تحمیلی
۵۲	آغاز فاجعه
۵۴	آموزش دفاعی
۵۵	اولین اعزام
۵۷	آزادسازی بستان (عملیات طریق القدس)
۵۹	ورود به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۶۲	عملیات فتح المبین
۶۷	فصل پنجم: دسته مقابله به مثل
۶۸	مأموریت در «ریژه ۸۰»
۷۳	جنگ نفتکش
۷۶	این بار در «بدر»
۸۰	پشتیبانی از عملیات والفجر هفتم
۸۷	حمله به سکوهاي «البکر» و «الامیر»
۹۰	عملیات کربلای چهار
۹۴	کشتی بریجتون
۱۰۳	تبسم امام علیه السلام
۱۰۴	دیدار با امام علیه السلام
۱۰۷	انتقام کشتار حجاج
۱۱۰	آخرین عملیات
۱۱۳	غذای ماهی
۱۱۷	شریت شهادت
۱۲۶	خبر نابهنگام
۱۳۰	خبر از غلامحسین
۱۴۲	وصیت نامه سردار شهید غلامحسین توسلی
۱۴۴	نامه‌ای از شهید توسلی به هم‌زمانش
۱۴۷	پی‌نوشت و منابع
۱۵۵	تصاویر شهید

پیام فرمانده

بسم رب الشهداء والصدیقین

شهادت هنر مردان خدا بر حقیقت وعده الهی به حماسه سازان و مجاهدان مکتب اسلام است. این مسیر نورانی که از طاعنه انقلاب شکوهمند مردم ایران تا دوران دفاع مقدس و از حماسه های دریایی خلیج فارس گرفته تا دفاع از حرم و جبهه مقاومت، امتداد یافته، پرتو نورانی آن علاوه بر اقتدار و عزت ملی در آینه جان و ریشه مردمان ایثارگر آن موج می زند و تأثیر شگرفی در تمامی ابعاد از خورد و بجای گذاشته که تاریخ تا قرن ها، شاهد جلوه های آن خواهد بود و اگر قرار است راهگشای افق های استقلال و عزت و سربلندی ملت بزرگ ایران اسلامی باشد، برای رسیدن به نتایج ارزشمند آن و تعمق بخشی به باورها و اعتقادات باید بتوان پلی برای ارزش ها ساخت که این سدوف در ستر جهاد علمی و تدوین و تألیف کتب حرکت آفرین و فرهنگ ساز میسر می باشد که انتقال فرهنگ را به دنبال دارد.

استان بوشهر ریشه ای پر بار و عزت آفرین در مبارزه علیه استعمارگران و اشغالگران خارجی داشته و دارد، از حماسه دلیران تنگستان گرفته تا نبرد قهرمانانه مقابل استکبار جهانی به ویژه آمریکای جنایتکار و رشادت های فرزندان دریادل سپاه اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس؛ همه و همه شجاعت و دلاورمردی مردان مرد این سرزمین را به رخ همگان کشیده است.

با تأسیس نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۴ به دستور

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و اقتدار رزمندگان اسلام در عملیات‌هایی نظیر والفجر هشت، کربلای سه و ... برگ زرین دیگری به کارنامه درخشان این ملت افزوده شد. حضور رزمندگان منطقه دوم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات‌های دریایی «مقابله به مثل» به فرماندهی سردار شهید نادر مهدوی و هم‌زمان شهیدش در خلیج فارس با تکیه بر ایمان و توکل به خداوند بزرگ سوار بر قایق عاشورا که به فرموده رهبر معظم انقلاب «برق چشم گرفتند از دشمن، آبرو دادند به ملت ایران» سرآغاز فصل نوینی از تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی گردید. لذا برای تجلیل از رشادت‌های بی‌دریغ حماسه‌سازان این استان در منطقه دوم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و آشنایی نسل جدید انقلاب اسلامی با گذشته پرافتخار تاریخی و حماسی خود، در کنار دیگر کتاب‌هایی که درباره سرداران شهید عملیات نبرد مستقیم با استکبار جهانی در خلیج فارس شهیدان نادر مهدوی، بیژن فدایی، مصطفی شفیع، مجید مبارکی و ... تهیه و تدوین گردیده و تک‌نگاره‌هایی نیز داشته، در این فرصت توفیق نصیبمان شد تا از سردار شهید «غلامحسین توسلی» شهیدی را که جسم پاک و عاشرش به ابدیت دریا پیوست و روح بی‌قرار و متلاطمش در جوار حضرت حق آرام گرفت، به جامعه فرهنگی استان معرفی نماییم. جا دارد از زحمات همه دست‌اندرکاران تألیف و تدوین آثار شهدای استان تشکر و سپاس داشته باشیم و امیدواریم توانسته باشیم در آرای دین عظیمی که شهدا بر گردن ما دارند، گام کوچکی برداشته و در دوران طلایی انقلاب عظیم اسلامی قدردان خون شهدا بوده و در تداوم ارزش‌های والای شهید و شهادت تلاشمان را بیشتر نموده تا بتوانیم راه و مرامشان را در دوران زعامت ولی امر مسلمین جهان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به نسل‌های آینده منتقل نماییم.

دریادار دوم پاسدار رمضان زیرراهی

فرمانده منطقه دوم دریایی امام حسن مجتبی (ع) ندسا

پیشگفتار

وقتی طبل جهاد در راه خدا نواخته می‌شود، دوران حکومت عشق آغاز می‌گردد. چرا که جز عشاق کسی حاضر به فداکاری و ازجان‌گذشتگی نیست. دوران جهاد، دوران حکومت عشق است؛ اما در این جا که مهبط عقل است معلوم است که حکومت عشق نباید هم که چندان پایدار باشد، نمی‌شود مردم که همه عاشق نیستند. از زن‌ها و کودکان و پیرزن‌ها و پیرمردان که بگذریم، آن‌ها طبعاً اهل دنیا را بگو که از زندگی فقط همین جان را دارند و به آن مثل کتبه به شکمبه گوسفند چسبیده‌اند. تنها عشاق می‌توانند که بر ترس از مرگ غلبه کنند و از دیگران نباید هم انتظار داشت، که از مرگ نترسند.

نگویید «دوران جنگ». بگویید «دوران جهاد در راه خدا...» و خدا هم این جام بلا را جز به بهترین بندگان خویش نمی‌بخشد. جام بلاست و جز به «اهل بلا» نمی‌رسند؛ دیگران آن را شوکران می‌انگارند. پس دوران‌های جهاد نمی‌توانند به طولانی باشد؛ اما دوران‌های تمتع از حیات، گاه آن همه طولانی است که اهل دنیا را نیز دلزده می‌کند.

آن‌گاه که طبل جنگ با دشمنان خدا نواخته می‌شود و اهل بلاد می‌یابند که نوبت آنان در رسیده‌است. اهل دنیا چون مارمولک‌های بیابانی که از رعد و برق می‌ترسند، ناله‌کنان به هر سوراخی پناهنده می‌شوند. عشاق می‌دانند که نوبت آنان رسیده‌است که «قلیل من عبادی الشکور...»^۱ وقتی طبل جنگ برای خدا نواخته می‌شود در نزد اینان

۱. سوره سبأ، آیه ۱۳

عقل و عشق دست از تقابل می‌کشند و عقل، عاشق می‌شود و عشق عاقل؛ آن همه عاقل که صاحب خویش را به سربازی و جانبازی می‌کشاند؛ اما در نزد دیگران، ترس جان و سر، عقل را به جنونی مذموم می‌کشاند و هر ننگی را می‌پذیرند تا بتوانند این خون تمتع از حیات را بکنند. مثله کنه‌ای که به شکمبه گوسفند چسبیده است.

دوران جنگ، دوران تجلی عشق بود و دوران جلوه فروشی عشاق و سراین سخن را جز آنان که به غیب ایمان دارند و مقصد سفر حیات را می‌دانند، در نمی‌یابند. دوستی در شب عملیات به من می‌گفت: کاش مدعیان این «حس غریب» را در می‌یافتند. این وجد آسمانی را که گویی همه ذرات بدن انسان در سماع و صلی رازآمیز «عین لذت» شده‌اند؛ نه آن لذت که در حیات پوست داری که حواس پنجگانه‌اش از کار نیفتاده است، حس می‌کند؛ «الذ لذات» یا کلام: «عزیز من! مدعیان را به خویشتن واگذار. خدا این حس را به هرکسی که نمی‌بخشد؛ وفا است و توفیقی. هر دو».

اورفت و شهید شد و من قتل‌آلود خون‌آلودش نشسته بودم، به یقین رسیدم که «شهدا از دست نمی‌روند، به دست می‌آیند».

وقتی کسی می‌انگارد هرچه را که نبیند لمس نکنند، باورکردنی نیست و از تو می‌پرسد: «دست‌آورد ما در جنگ چه بوده است؟» از کلمه «دست‌آورد» بدت نمی‌آید؟ من بدم می‌آید. اگرچه کلمه که گناهی نکرده است، اما اگر همه چیز را باید به همین دستی بدهند که از این کتف گوشتی و استخوانی بیرون زده است و به پنج انگشت بنبندند ختم گشته است؟ «دست‌آورد» کلمه‌ای است که آدم را فریب می‌دهد با کلمه «دست‌آورد» که نمی‌توان حقیقت را گفت. چه بگویی؟ بگویی: «بزرگترین دست‌آورد ما انسان‌هایی بوده‌اند به نام بسیجی؟»

خلیج فارس آن همه ماهی دارد که می‌شود دویست کشتی صید صنعتی. از آن کشتی‌هایی که ماهی‌ها را دویست کیلو و دویست کیلو در حلق‌های بزرگ و وحشتناک خویش هُرت می‌کشند. سالی دویست میلیون ماهی دویست کیلویی بگیرند؛ اما کجاست آن شجاعت، توکل و عشقی که یکی مثل «نادر مهدوی» یا «بیژن گرد»، [غلامحسین

توسلی، شفیع، مبارکی، آبالان، محمدیها] بر یک قایق موتوری بنشیند و به قلب ناوگان الکترونیکی شیطان در خلیج فارس حمله ببرد؟

می پرسد: «این شجاعت، توکل و عشق به چه درد می خورد؟» هیچ! به درد دنیای دنیاداران نمی خورد. اما به کار آخرت عشاق می آید، که آنجاست دار حاکمیت جاودانه عشاق... و من به بسیجیان امید بسته ام، نه من تنها، همه آنان که تقدیر تاریخی انسان فردا را دریافته اند و می دانند که ما از آغاز قرن پانزدهم هجری، پای در عصر معنویت نهاده ایم.

www.ketab.ir

مقدمه

با شروع جنگ تحمیلی در ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ مردم ایران با تمام توان و قدرت در مقابل هجوم وحشیانه رژیم مبنای استادگی کرده و با اعلام آمادگی برای دفاع از مرزها، به جبهه‌های جنوب و غرب کشور شتافتند. مردم استان بوشهر به دلیل نزدیکی با مرزهای مورد تجاوز قرارگرفته و همچنین ستانی که مورد حمله مستقیم هواپیماهای بعثی قرارگرفته بود، مسئولیت بیشتری برای حضور در جبهه‌ها در خود احساس می‌کردند. به همین خاطر جوانان و نوجوانان دانش‌آموز با بطلان کلاس‌های درس به سوی جبهه‌ها شتافتند. یکی از این دانش‌آموزان غیور «ملا حسین توسلی» است. وی در خانواده‌ای مذهبی و متعهد در «فقیه حسنان»، یکی از روستاهای شهرستان دشتی، به دنیا آمد. در ایام دانش‌آموزی، در بحبوحه انقلاب اسلامی، مبارزات خود را با رژیم پهلوی آغاز کرد و با رهبران انقلابی استان از جمله: «شیخ ابوتراب عاشوری»، «عباس عاشوری» و «میربهبزاد شهریار»، آشنا شد و به پیروی از آنان فعالیت خود را در مدارس و سطح شهر تا پیروزی انقلاب ادامه داد.

به محض تشکیل بسیج شهرستان دشتی، به این نهاد انقلابی پیوست و در سال ۱۳۶۱ با پوشیدن لباس مقدس سپاه پاسداران، خدمت خالصانه خود در دفاع از میهن را به طور رسمی آغاز کرد. با حملات شدید هواپیماهای عراقی به جزیره خارگ، علاوه بر حضور در جبهه‌های جنوب و از آن جمله شرکت در عملیات‌های: فتح‌المبین،

بیت المقدس، والفجرهشت، کربلای چهار، بدر و...، با شناورهای سپاه به حراست و گشت زنی در آن جزیره پرداخت.

با تجاوزات و دخالت ناوگان دریایی آمریکا در خلیج فارس و تشکیل تیم «مقابله به مثل» به فرماندهی «نادر مهدوی» وی هم به عنوان تیربارچی و معاون تیم، در این هسته مشغول به فعالیت شد و در عملیات مین ریزی در خلیج فارس و انهدام کشتی «بريجتون» حضور یافت. غلامحسین توسلی از نیروهای برجسته در عملیات های خلیج فارس بود. آخرین نبرد قهرمانانه او رویارویی با بالگردهای آمریکایی بود که عرصه را بر تردد کشتی های نفتکش ایرانی تنگ کرده بودند. این مبارزه در شانزدهم مهر ۱۳۶۶ انجام شد. او به همراه تعدادی از اعضای تیم «مقابله به مثل» به طور مستقیم با بالگردهای آمریکایی درگیر شدند و مانند شماری از همزمانش به درجه رفیع شهادت نائل گردید و پیکر پاکش در اعماق آب های گرم خلیج فارس جاویدالاثرب گردید.

۱۴۰۱ ده قانم

بهار ۱۴۰۲